

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی  
پژوهشکده زبان شناسی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان های باستانی

بررسی متن اوستایی خورشید نیایش و مقایسه آن با متن زند

استاد راهنما  
دکتر محمد تقی راشد محصل

استاد مشاور  
دکتر مهشید میرفخرایی

پژوهشگر

فهیمة شکیبا

شهریور ماه ۱۳۹۱

با تشکر از استاد ارجمند آقای دکتر راشد محصل که با دقت و نکته سنجی فراوان مرا در نگارش این پایان نامه راهنمایی کردند و با سپاس فراوان از استاد فرزانه خانم دکتر میرفخرایی که مشاوره پایان نامه را بر عهده گرفتند و نیز قدر دانم از استاد فرهیخته آقای دکتر ابوالقاسمی که داوری رساله را عهده دار شدند.

همچنین سپاسگزارم از پدر و مادر عزیزم که همواره بر کوتاهی و درستی من قلم عفو کشیدند و سخاوتمندانه از کنار غفلت هایم گذشتند و در تمام مراحل زندگی حامی و پشتیبان من بودند.

تقدیم به پدر و مادرم.

## فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۲	- جایگاه خورشید در فرهنگ ایران باستان و دین زردشتی
۴	- محتوی خورشید نیایش
۵	- شیوه کار
۷	- پیشینه پژوهش
۸	- کوتاه نوشت ها
۹	- نشانه ها
۱۰	بخش نخست: متن اوستایی و متن زند
۲۸	بخش دوم: حرف نویسی متن اوستایی و آوانویسی متن زند و برگردان فارسی آنها
۴۸	بخش سوم: یادداشت ها
۶۶	بخش چهارم: واژه نامه
۶۷	- ترتیب نویسه ها
۶۸	- درباره واژه نامه
۱۱۲	بخش پنجم: نمایه واژه های زند
۱۳۷	کتابنامه
۱۴۱	چکیده به انگلیسی

## چکیده

این پایان نامه به تجزیه و تحلیل متن اوستایی و زند خورشید نیایش اختصاص دارد. خورشید نیایش نخستین نیایش از پنج نیایش خرده اوستا ست که خود یکی از پنج بخش اوستا ست. در مجموعه یشت های اوستا نیز یشتی به نام خورشید وجود دارد که متن کامل آن در بندهای ۱۱ تا ۱۷ خورشید نیایش آمده است.

این پایان نامه شامل یک مقدمه و پنج بخش است. بخش نخست متن اوستایی و زند، بخش دوم حرف نویسی متن اوستایی و آوانویسی متن زند و برگردان فارسی آنها، بخش سوم یادداشت ها، بخش چهارم واژه نامه و بخش پنجم نمایه واژه های زند و کتابنامه را شامل می شود.

واژه های کلیدی: اوستا، زند، خرده اوستا، نیایش ها، خورشید نیایش.

خورشید به سبب بزرگی، نور و سودی که داشته است همواره نزد تمامی اقوام مورد ستایش و تکریم بوده و اسطوره های مربوط به آن در روزگار باستان جایگاه باشکوهی را به خود اختصاص داده است و کمتر مردمی وجود دارند که در باورها و اعتقادات گروهی خود از کارکردهای آن به دور مانده و درباره اش اسطوره پردازی نکرده باشند. از میان رخشندگان آسمانی، خورشید به سبب نقشی که در زندگی بشر داشته در تمامی ادیان بزرگ چون آیین بودایی، آیین های کهن چین و ژاپن ستایش شده و در ادیان توحیدی نیز به عنوان آفریده خداوند از ویژگی خاصی برخوردار بوده است.

#### جایگاه خورشید در فرهنگ ایران باستان و دین زردشتی:

واژه خورشید در زبان فارسی بازمانده ترکیب *huuarə.xšaēta* اوستایی است که در اصل به معنی خور/ هور درخشان است یعنی *xšaēta* صفتی است که برای خور/ هور آمده و بعدها این صفت و موصوف با یکدیگر واژه مرکب ساخته اند که برای منبع نورانی آسمانی که خورشید یا آفتاب باشد به کار رفته است. بنابراین واژه مفرد *huuar* که در فارسی خور/ هور شده است در اصل برای کره نورانی آسمانی در اوستا آمده و صورت سنسکریت آن *sv'ar* است که به همین معنی است. صفت *xšaēta* برای "جم" نیز در اوستا آمده است و در این نام نیز صورت ترکیبی *yimō.xšaēta* در فارسی به صورت "جمشید" به کار رفته است.

گرچه خورشید در میان همه ملل از اهمیت و اعتبار و شکوه برخوردار بوده است اما آثار ایرانی اعم از آثار باستان، میانه و نو حکایت از اعتبار و اهمیت بیشتر آن در میان ایرانیان دارد. خورشید بنا به اشاره مورخان و نویسندگان نشانه سلطنت و اقتدار پادشاهی بوده و در بالای چادر شاه چهره خورشید غالباً نقاشی می شده است. از آن رو که تجلی نور و روشنایی بوده و به صورت ایزدی بزرگ و به نام "مهر" نیز متجلی شده، سرودی در ستایش او در مجموعه یشت های اوستا آمده است که مطالب خورشید نیایش موضوع این رساله را نیز در بر دارد.

ایزد روشنایی و نور غالباً در اوستا "مهر" است اما توجه به این نکته ضروری است که یکی از معانی مهر در ادب فارسی خورشید است و از اینرو می توان چهره ایزدی نیز برای خورشید در اوستا متصور شد. خورشید پایه، سومین طبقه آسمان، جایی است که نطفه کیومرث نخستین بشر به آنجا انتقال یافت و در آنجا در روشنی خورشید پالوده شد. یکی از سودمندی های بزرگ خورشید قدرت پالایش او است که ناپاکی را از میان می برد و آب دریاها و رودخانه و همه آنچه را که به هرمزد تعلق دارد از ناپاکی محفوظ می دارد. خورشید در اوستا با صفت "بی مرگ"، "شکوهمند" و "تیز اسب" ستوده شده است.

در تقویم کهن ایرانی، روز یازدهم هر ماه خور (=خورشید) روز نامیده شده است. "در این روز، هرکس مسافرت کند، غنیمت یابد و هرکس در این روز زاده شود مبارک و نیکو است. این روز در خرداد نحس و در ماه های دیگر میانه است. روز یازدهم دی ماه، روز اول نخستین گاهنبار است که خداوند آسمان را در آن آفرید و یازدهم اسفند، اول گاهنبار دوم است که در آن آب آفریده شد. به قول بیرونی، دی که اسم ماه دهم هر سال است "خور ماه نیز" نامیده می شد" (باحقی، ۱۳۶۹: ۱۸۵).

خورشید نیایش نخستین نیایش از پنج نیایش مذکور در خرده اوستا است. خرده اوستا (یا اوستای کوچک) یکی از بخش های اوستای متاخر است و "مجموعه ای است از دعاهای کوتاه خاص مردم عادی زردشتی که آنها را در موقعیت های خاصی می خوانند، در برابر دعاهایی که خواندن آنها در مراسم دینی، خاص روحانیان است. نام این کتاب فقط به صورت پهلوی آمده است و درباره زمان دقیق تدوین متن های آن نمی توان اظهار نظر کرد. تدوین خرده اوستا به آذرباد مهرسپندان، موبدان موبد زمان شاپور دوم ساسانی (۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی) نسبت داده شده است" (تفضلی، ۱۳۷۶: ۴۲).

مهمترین بخش های خرده اوستا عبارتند از: نیایش ها، گاهنبارها، سی روزه کوچک و بزرگ، آفرینگان و شعرها و دعاهای کوتاه دیگری مانند سروش باژ (دعای خاص ایزد



سروش) و هوشبام (دعایی در ستایش سپیده دم). نام پنج نیایش خرده اوستا به نام ایزدان خورشید، مهر، ماه، آب و آتش است که هر یک از آنها در مواقعی از روز یا ماه باید خوانده شود. علاوه بر این پنج نیایش، پنج یشت از میان ۲۱ یشت اوستا نیز به هر یک از این ایزدان تعلق دارد. این ایزدان بزرگ که نیایش ها برایشان آمده، هر یک وظیفه ای خاص برای بهبود بخشیدن به زندگی آفریدگان اورمزد بر عهده دارند و وجودشان ستوده شده است. چنین پیدا است که اهمیت مقام و منزلت ایزدان موجب پدید آمدن این نیایش ها شده است.

خورشید نیایش هر روز سه بار در هاون گاه (صبح)، ربیهوین گاه (نیمروز) و اوزیرین گاه (پسین) خوانده می شود.

#### محتوای خورشید نیایش:

بندهای اول و دوم این نیایش به ستایش اهوره مزدا، امشاسپندان، فروشی پاکان و وای دیرنده خدای می پردازد و شکست اهریمن و بر آورده شدن خواست اهوره مزدا را خواستار است.

در بندهای سوم و چهارم اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک ستوده می شود و از اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد دوری می شود و امشاسپندان ستایش می گردند.

در بند پنجم خورشید به عنوان دیدگان اهوره مزدا معرفی می شود و او را سه بار در هاون گاه، ربیهوین گاه و اوزیرین گاه می ستایند.

در بند ۶ و ۷ علاوه بر پرستش خورشید، ایزد مهر نیز پرستش می شود.

در بند ۸ ایزد تیشتر، ستاره و نند، سپهر، زروان، باد فزونی بخش، و ایزد چیستا ستوده می شوند.

در بند ۹ ایزدان پاک مینوی و جهانی پرستیده می شوند و اهوره مزدا و فروشی پاکان به یاری خواسته می شوند.

بند ۱۰ دعای "فرورانه" است که در آن شخص اعتراف می کند که با یقین قلبی پیرو آیین مزدیسنی است. متن دعای فرورانه در یسن ۱۲ آمده است.

در بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ بیش از همه به اهمیت خورشید و علو مقام آن پرداخته شده است و آمده است: هنگامیکه خورشید درخشان می دمد و فروغ آن تابان می گردد صدها و هزاران ایزد فروغ خورشید را جمع می کنند و بر زمین اهوره داده می پراکنند و نیز اگر خورشید نبود، دیوان همه آنچه را که در هفت کشور بود نابود می کردند.

در بند ۱۴ سخن از اهمیت خورشید نیایش و تاثیرات سازنده این نیایش است و تصریح شده است که اگر کسی خورشید را بستاید می تواند در مقابل جادوان، پریان، دزدان و راهزنان مقاومت کند.

در بند ۱۵ دوباره به ستایش مهر اشاره شده و دوستی با مهر بهترین دوستی ها گفته شده است.

در بندهای ۱۶ و ۱۷ تقدس خورشید به آن حد می رسد که او را با مهارت زبان، با اندیشه، با گفتار، با کردار، با زوهر و با سخنان راست گفته شده می ستایند و نیرومندی و زورمندی را برای خورشید درخواست می کنند.

در بندهای ۱۸ و ۱۹ علاوه بر ستایش خورشید، ایزد اناهید و گیاه نیک مزدا آفریده نیز ستوده شده است.

شیوه کار:

نخست حرف نویسی متن اوستایی بر پایه اوستای ویراسته گلدنر و به شیوه هوفمان انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل واژه های متن از واژه نامه ایران باستان بارتلمه استفاده شده است (← فهرست منابع). در بخش واژه نامه ترتیب نویسه ها بر اساس روش هوفمان داده شده است؛ ریشه فعل و ستاک اسم، صفت و ضمیر به عنوان سر واژه آمده و همه کاربردهای واژه با رعایت حالت های دستوری و شمار، همراه با شماره بند متن و برابر زند آن ها در زیر واژه ها ذکر شده است. در مورد افعال تنها ماده هایی در برابر ریشه ذکر شده که در متن کاربرد داشته اند. صفت های فاعلی زیر ریشه و در کنار صورت های فعلی ذکر شده اند.

متن اوستایی با رعایت حالت های دستوری، به فارسی ترجمه شده و در صورت لزوم یادداشت هایی برای آن داده شده است. پس از آن متن زند بر اساس شیوه مکنزی آوانویسی شده و بنابر متن دابار، به فارسی ترجمه شده و نمایه ای برای آن ارائه شده است. در نمایه تمام واژه های زند همراه با شماره بند متن، فهرست شده است.

مطالب این دفتر به ترتیب شامل بخش های زیر می باشد:

مقدمه جایگاه خورشید در فرهنگ ایران باستان را بیان می کند.

بخش نخست متن اوستایی و زند آن را در بر دارد.

بخش دوم حرف نویسی متن اوستایی و ترجمه فارسی آن و نیز متن زند، آوانویسی و ترجمه فارسی آن را شامل می شود.

بخش سوم یادداشت های مربوط به متن اوستایی و زند و در صورت لزوم مقایسه آنها را در بر دارد.

بخش چهارم واژه نامه متن اوستایی است.

بخش پنجم نمایه واژه های زند و کتابنامه را در بر می گیرد.

متن اوستایی خورشید نیایش به زبان های آلمانی، فرانسه، انگلیسی و فارسی ترجمه هایی دارد که در این پژوهش به همه آنها مراجعه شده است که به ترتیب تاریخ انتشار عبارت است از:

ترجمه آلمانی از این متن را ولف در کتاب "اوستا"<sup>۱</sup> آورده است.

دبار در ترجمه انگلیسی "خرده اوستا"<sup>۲</sup>، متن زند خورشید نیایش را به انگلیسی برگردانده است.

دارمستتر در کتاب "زند-اوستا"<sup>۳</sup> ترجمه ای از خورشید نیایش را به زبان فرانسه داده است که هر چند بر بنیاد متن زند است، زیرنویس های با ارزشی دارد.

بارتلمه در کتاب "واژه نامه ایران باستان"<sup>۴</sup> واژه های آن را تجزیه و تحلیل کرده و بسیاری از بندهای آن را به آلمانی ترجمه کرده است.

زهر طرف متن اوستایی و زند این نیایش را در کتاب "متن اوستایی نیایش ها همراه با ترجمه پهلوی و سنسکریت آن"<sup>۵</sup> به زبان آلمانی ترجمه کرده و واژه نامه ای از آن نیز داده است.

پورداوود در کتاب "خرده اوستا"<sup>۶</sup> برگردان فارسی این متن را آورده است.

---

<sup>1</sup> Wolff, F. 1910: *Avesta, die Heiligen Bucher de Parsen*, Strassburg.

<sup>2</sup> Dhabhar, E. B. 1927: *Zand-i Khürtak Avestāk*, Bombay.

<sup>3</sup> Darmesteter, J. 1960: *Le Zend-Avesta I-III*, Paris: Maisonneuve.

<sup>4</sup> Bartholomae, C. 1961: *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.

<sup>5</sup> Taraf, Z. 1981: *Der Avesta-Text Niyāyišn Mit Pahlavi – und Sanskritübersetzung*, R. Kitzinger, Münchener Studien zur Sprache wissenschaft.

<sup>6</sup> پورداوود، ابراهیم، ۱۳۸۰: *خرده اوستا: بخشی از کتاب اوستا*، تهران: انتشارات اساطیر.

کوتاه نوشت ها

صفت دارندگی	ص.د.	اسم	ا.
صفت / ضمیر اشاره	ص.ض.ا.	بارتلمه ( ← کتاب نامه)	بار.
صفت فاعلی	ص.ف.	پیشوند فعلی	پ.ف.
صفت فاعلی گذرا	ص.ف.گ.	جلد	ج.
صفت مفعولی	ص.م.	حرف اضافه	ح.ا.
صفت فاعلی ناگذر	ص.ف.ن.	حرف ربط	ح.ر.
ضمیر	ض.	زند	ز.
ضمیر اشاره	ض.ا.	ستاک	س.
فعل	ف.	صفت	ص.
قید	ق.	صفت اشاره	ص.ا.
		صفت آینده مجهول	ص.آ.م.

نشانه ها

← نگاه کنید به

0 در پایان واژه یعنی واژه پی چسب دارد.

( ) نشانه افزایش واژه یا عبارت به متن

[ ] این نشانه در متن زند برای تفسیر و توضیح به کار رفته است.

+ نشانه تصحیح واژه

\* صورت بازسازی شده



11. ...  
 2 ...  
 3-4 ...  
 5 ...

...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...

3) K12. GJM. GKE append ...  
 5) cf. Nirang-i Kusti bastan o.

6) ...

1) F2. Mf3. K36. W1 have before this word the sentence: ...  
 2) F2. Mf3. H2; ...  
 3) H2. Pti. Fr. L12.18.25. K18a.18c; ...  
 4) F2. K18a. H2; ...  
 5) Fr. Pti. Et. L9.11. Mb2. Lbr. M4.6. K7.12. P8. J10; ...  
 6) H2. L12.25. K18c. M4; ...  
 7) F2. Mf3. K36. W1 have instead of the words from ...  
 8) Jm4. K18a.15.19.7. P13; ...  
 9) H2. P13. L13. K18a.18c.19; ...  
 10) H2. Fr. P13. L9.11.18.25. Mb2. Lbr. K18a.18c.15.19.7. O3; ...  
 11) Pti. Jm4. L16.18. P13. K18c.19.12. O3; ...  
 12) H2. Fr. Pti. Et. L9.11.25. Mb2. Lbr. K7. M4. — 12) H2. Fr. Pti. Et. Jm4. L9.11.25. Mb2. Lbr. K7.15. J10; ...

1) Mf3. F2. K36. W1 append here the words: ...  
 2) ...  
 3) ...  
 4) ...









16      17  
 18  
 19

16      17  
 18  
 19

15      16

17  
 18  
 19

17  
 18  
 19